

آشنایی با متفکران قرآنی معاصر (علامه معرفت و پروفیسور ایزوتسو)

فاطمه رضایی^۱، محمدعلی رضایی اصفهانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم
^۲ مدیر مدرسه عالی قرآن و حدیث و هیأت علمی دانشگاه جامعه المصطفی

نویسنده مسئول:

فاطمه رضایی



چکیده

قرآن کریم به عنوان معجزه رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همواره در طی دوران‌های مختلف مورد توجه مسلمانان و متفکران از هر دین و فرقه و گرایش مذهبی قرار گرفته است. طبق توصیه‌های مکرر خود کلام الله مجید بر تدبیر در کلامش، هماره اندیشمندان و متفکران برای فهم بهتر و عمیق‌تر آیات تلاش کرده‌اند؛ و بر همین مبنا در میان مسلمانان علمی به نام تفسیر قرآن، که موسس و بنیان‌گذار حقیقی آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بودند، بوجود آمد. در فرآیند فهم قرآن و شکل‌گیری علم تفسیر، قرآن پژوهان برای فهم عمیق‌تر کلام خدای سبحان از روش‌های مختلفی بهره بردند؛ شناسایی این روش‌ها و صاحبان تفاسیر کمک شایان توجهی به توسعه علم تفسیر کرده است، چون از طریق آشنایی با متفکران قرآنی و روش‌هایی که آن‌ها برای فهم قرآن و علوم قرآنی بیان کردند می‌توان روش‌هایی را که موافق نظر مفسران حقیقی - یعنی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) - باشد؛ پذیرفت و در راه فهم بهتر کلام الهی گام‌های محکمتری را برداشت و به درک درستی دست یافت. در این مقاله ضمن شناسایی و معرفی دو متفکر قرآنی علامه محمدهادی معرفت و پروفیسور توشی هیکو ایزوتسو؛ همچنین نظریه‌های قرآنی آن دو را توضیح مختصری خواهیم داد؛ و در آخر اشتراکات تفسیری و افتراق فعالیت‌های قرآنی دو متفکر را اشاره خواهیم کرد.

کلمات کلیدی: علامه محمدهادی معرفت، پروفیسور توشی هیکو ایزوتسو، نظریه‌های قرآنی.

مقدمه

(أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ)

(آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند. (رعد، ۱۹))

در آیین حیات بخش اسلام، مقام عالم و دانشمند آن قدر عظیم و والاست که تنها انبیا و اوصیا از نظر رتبه بر آن‌ها برتری دارند. در فرهنگ قرآن منظور از عالم و دانشمند، افراد باسوادی نیستند که ذهن خود را از معلومات و محفوظات بسیار انباشته باشند، بلکه کسانی هستند که به مرتبه بالایی از فهم و بصیرت و خودشناسی رسیده باشند و اندیشه و عمل آنها براساس حق و حقیقت باشد. اینان پیوسته در آیات الهی و آفاق و انفس تفکر و تعمق می‌کنند و برایمان و یقین خود می‌افزایند. به خدا و روز جزا ایمان کامل دارند و آیات الهی و کتاب‌های آسمانی پیشین را تصدیق و تأیید می‌کنند. قلبشان گنجینه آیات الهی است و خداوند آیات خود را برای آنها شرح و تبیین می‌نماید. در قیامت نیز جزو سخنگویان محضر خداوند واز گواهان روز جزا هستند و نزد خدا مقام درجه‌ای والا و اجر و پاداشی عظیم دارند.

برای فهم قرآن و دوری از تفسیر به رأی نیازمند آنیم که روش‌های تفسیری را از معصومین: فرا گیریم یا به کسانی که با علم حدیث و تفسیر آشنایی کامل دارند، و این مسیر را پیموده‌اند مراجعه کنیم تا با استفاده از روش‌های مطمئن به تفسیری ناب از آیات الهی دست یابیم و از تفسیر به رأی مصون بمانیم. بر این اساس به معرفی دو متفکر در حوزه تفسیر می‌پردازیم تا با نظریه‌های آنها آشنا شویم. علامه معرفت که از متفکران بزرگ و فرهیخته شیعه در دوران معاصر بود و بر علوم دینی و حوزوی در زمینه علوم قرآنی، تسلط داشت. پروفیسور ایزوتسو با توجه به اینکه زبان‌شناسی خبره و توانا بود و به مباحث علمی در زمینه‌های فلسفه، عرفان و تاریخ اسلام بسیار علاقه داشت؛ و علاوه بر ترجمه قرآن از عربی به زبان ژاپنی؛ به معارف عرفان اسلامی و مفاهیم قرآن کریم توجهی خاص داشت. او یک مستشرق بود و صرفاً یک متفکر و اندیشمند در معارف شامخ قرآن کریم محسوب می‌شود که هیچ وقت دین خود را اسلام معرفی نکرد. نویسنده مقاله سعی کرده مطالب را خلاصه بیان کند و به خاطر اهمیت نقش عالم ربانی علامه معرفت حجم بیشتر مطالب را به این بزرگوار اختصاص داده و بیشتر بر نظریه‌ها و روش‌های تفسیری این دو متفکر اشاره کرده تا اینکه به تحلیل آن‌ها بپردازد. به جای تحلیل نظریه‌ها و نتیجه‌گیری در این مقاله ترجیح داده شده که اشتراکات و افتراقات این دو متفکر قرآنی بیان شود.

۱- علامه محمد هادی معرفت

۱-۱ زندگی‌نامه

محمد هادی معرفت در سال ۱۳۰۹ شمسی در کربلا متولد شد. پدرش شیخ علی از خطبای مشهور کربلا بود و مادرش سیده زهرا دختر تاجر رشتی (سید هاشم) که در کربلا متوطن شده بود. اجداد ایشان همه از روحانیون و علمای به نام کربلا بودند. پدرشان به اتفاق والدین و دیگر اعضاء خانواده‌اش در سال ۱۲۹۰ شمسی در سن پانزده سالگی از سده اصفهان به کربلا مهاجرت کرد و در سن ۶۳ سالگی سال ۱۳۳۸ شمسی در کربلا وفات یافت.

ایشان از ۵ سالگی به مکتب رفت و بعد از آن مقدمات و ادبیات و منطق و علوم فکری و ریاضی را در حوزه کربلا فراگرفت. بعد فقه و اصول و مبادی فلسفه را آموخت و تا سال ۱۳۳ در کربلا به تدریس و تحقیق مشغول بودند. در این دوران از اساتید ارزشمندی مثل: پدر، سید سعید تنکابنی، سید محمد شیرازی، شیخ محمد حسین مازندرانی، سید مرتضی قزوینی. حاج شیخ علی اکبر نایینی، شیخ محمد کلباسی، شیخ محمد خطیب، سید حسن حاج آقا میر قزوینی، شیخ محمدرضا جرقویی اصفهانی، شیخ محمدمهدی کابلی، شیخ یوسف بیارجمندی خراسانی؛ تلمذ کردند.

بعد از فوت پدرشان سال ۱۳۴۰ به نجف اشرف مهاجرت کردند تا اینکه سطح خارج را در حوزه نجف گذراندند. که در این دوران از محضر اساتیدی همچون: سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خوبی، میرزا باقر زنجانی، فاضل ارجمند آقای رضوانی، شیخ حسین حلی، سید علی فانی اصفهانی و اخیراً امام راحل^(ع) بهره بردند.

ایشان در سال ۱۳۵۱ ش به خاطر دستور حکومت بعث عراق مبنی بر مهاجرت ایرانیان به اتفاق همسر و فرزندان به قم آمدند و فعالیت‌های خود را در حوزه علمیه قم ادامه دادند. منتهی در قم فقط از محضر مرحوم میرزا هاشم آملی کردند، و بقیه اوقات را به تدریس و تحقیق پرداختند؛ و شاگردانی شایسته در حوزه‌ی علوم دینی قم و مدرسه عالی حقانی پرورش دادند که امروزه از رجال نامی می‌باشند.

آیت‌الله معرفت از منظر آیت‌الله سبحانی قهرمان علوم قرآنی در تشیع مطرح شده‌اند. (مجله معارف، اردیبهشت ۱۳۸۴، شماره ۲۵) همچنین آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی ایشان را عالم بزرگ شیعی می‌دانند، که در زمینه‌هایی که خلأ علمی در علوم قرآنی

محسوب می‌شد، تحقیقات ارزشمندی را انجام داده‌اند. (سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله معرفت) حجه‌الاسلام علی نصیری در مقاله تحت عنوان (علامه از نظر علمی) مسولیت‌شناسی؛ آزاداندیشی؛ نواندیشی؛ پژوهش‌محور و اهتمام به رشد و بالندگی شاگردان را از خصوصیات علمی بارز آیت‌الله معرفت می‌دانند.

زیر سایه این بزرگوار پسری همچون علی آقا تربیت شد که از شهدای دفاع مقدس می‌باشند. وی پس از ۷۶ سال عمر با برکت و پر بار، در دی ماه ۱۳۸۵ دیده از جهان فروبست و در حرم مطهر حضرت معصومه^(س) دفن شدند.

۱-۲ فعالیت‌ها و آثار علمی

همان‌طور که گفته شد آیت‌الله معرفت در طول زندگی خود از کربلا به نجف و بعد به قم مهاجرت کردند و فعالیت‌های علمی در حوزه علوم دینی به خصوص علوم قرآنی داشتند. ایشان در کربلا علاوه بر تحصیل علوم به تدریس و تحقیق اشتغال داشتند. در رشته‌های ادبی و علمی و در حوزه‌های تدریس متناسب و در هفته یک بار جلسه دینی برای جوانان داشتند و شاگردان بسیاری را تربیت کردند. همچنین با همکاری گروهی از فضایی حوزه (سیدمحمد شیرازی، سید عبدالرضا شهرستانی، سید محمدعلی بحرانی، شیخ محمدباقر محمودی و...) دست به تأسیس و نشر ماهنامه‌ای تحت «أجوبة المسائل الدینیة» زدند و با اعلام «سؤال‌های دینی شما را پاسخگو هستیم»، با کمال جدیت مشغول شدند که در سطح وسیعی گسترش یافت به ویژه در دانشگاه‌ها و حتی برخی دانشگاه‌های بزرگ خارج از کشور عراق با استقبال فراوان روبرو شد. و مقاله و نوشته‌های تحقیقی، علمی - دینی فراوانی تدوین و انتشار یافت که برخی از آنها به جهت اهمیت موضوع بعداً به صورت کتاب یا رساله درآوردند از جمله: «حقوق زن در اسلام». «ترجمه قرآن: امکان، نقد، ضرورت»، «دو فرقه شیخیه: اسکویی، کریمخانی»، «اهمیت نماز و تاثیر آن در حیات فردی و اجتماعی» و غیره. تمامی این‌ها به زبان عربی روز انجام شده است. و برخی از آن‌ها سپس به فارسی ترجمه شده است.

در نجف اشرف هم صبح‌ها برای تحصیل و تدریس و عصرها صرفاً برای تدریس اختصاص می‌دادند. با گروهی از فضایی بنام حوزه که عبارت بودند از: سید جمال‌الدین خوئی (فرزند برومند آیه الله خوئی)، سید محمد نوری. سید عبدالعزیز طباطبائی، شیخ محمدرضا جعفری اشکوری، دکتر محمد صادقی (صاحب تفسیر)، و استاد عمید زنجانی، جلسات هفتگی تشکیل می‌دادند و پیرامون مباحث و مواضع مختلف به بحث و تحقیق می‌پرداختند. هر کدام در یک رشته، که ایشان در رشته علوم قرآنی تحقیقاتی انجام می‌دادند. که حاصل آن گردهمایی‌ها نوشتن مقالات و نشر در مجلات (از جمله مجله اجوبة المسائل الدینیة)، و تألیف رساله‌های گوناگون از جمله: (کتاب تناسخ الارواح) در ردّ نظریه تناسخ شد که در سطح دانشگاهیان در بغداد منتشر گردید و سپس در ایران ترجمه و بر آن افزوده گشت و به نام «بازگشت روح» انتشار یافت. و نیز رساله‌ای در قضای فوائت (نمازهای فوت شده) به نام «تمهید القواعد» که بعضاً تقریر درس حضرت استاد آیه الله خوئی بود، تألیف و چاپ و منتشر شد. به علاوه ۷ مجلد التمهید و ۲ مجلد التفسیر و المفسرون را در نجف اشرف به چاپ رساندند.

در قم بیشتر وقت خود را به تدریس و تحقیق مشغول بودند. کتاب‌ها و مقالات زیادی را در عمر شریف نوشتند. همچنین بسیاری از مقالاتی را که قبلاً به عربی نوشته بودند به فارسی ترجمه کردند و دفتر نشریه‌ای را که قبلاً در کربلا تأسیس کرده بودند به قم انتقال دادند. در دوران با برکت عمر خود شاگردان به نامی همچون دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی؛ حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالکریم بهجت‌پور؛ حجه‌الاسلام مهدی رستم‌نژاد و... از وجودشان بهره بردند. از جمله آثار علمی آیت‌الله معرفت:

التمهید فی علوم القرآن ۱۰ جلدی (فارسی - عربی و ۲ جلدی انگلیسی)؛ التفسیر الاثری الجامع ۶ جلدی؛ نقد شبهات پیرامون قرآن کریم (فارسی - عربی)؛ صیانة القرآن من التحریف؛ تفسیر و مفسران دو جلدی (فارسی - عربی)؛ علوم قرآنی؛ آموزش علوم قرآنی؛ تاریخ قرآن؛ ولایت فقیه (ولایة الفقیه ابعادها و حدودها)؛ احکام شرعی؛ تمهید القواعد؛ تحقیق مبتکر عن حدیث لاتعاد؛ مالکیة الارض؛ تناسخ الارواح؛ پرتو ولایت؛ جامعه مدنی؛ تنزیه انبیاء معارفی از قرآن؛ تناسب آیات اهل‌البيت عليهم السلام و القرآن الکریم؛ تفسیر سوره حجرات؛ تأویل قرآن در رویکردها و اندیشه‌ها؛ التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء قرآن و فرهنگ زمانه.

۱-۳ روش‌های تفسیری و نظریه‌های قرآنی

تخصص آیت‌الله معرفت در دو حوزه قرآن و فقه بود، و توانست میان این دو ارتباط هماهنگی را برقرار کند. استاد معرفت تشریح قرآنی را به معجزه تعبیر کرده و آن را اعجاز تشریحی می‌داند، (فصلنامه بینات، ش ۴۴، ص ۵۳) و معتقد است که آیات الاحکام از پانصد آیه بسیار بیشتر و تقریباً به دو هزار آیه می‌رسد. (فصلنامه بینات، ش ۴۴، ص ۵۷)

علامه معرفت در کتاب التمهید و تفسیر مفسرون خودش به شرح علوم قرآنی و بیان قواعد تفسیری پرداخته‌اند. همچنین آخرین تألیف ارزشمند و گرانمایه آیت‌الله معرفت؛ «التفسیر الاثری الجامع» است. اولین مجلد «التفسیر الاثری الجامع»، شامل مقدمه‌ای است در حدود ۲۵۰ صفحه که می‌توان آن را عصاره‌ای از برخی مباحث تألیفات مفسر در زمینه علوم قرآنی دانست؛ مباحثی چون فضایل القرآن، التفسیر و التأویل (الظهر و البطن)^۱، صیانة القرآن من التحریف، التفسیر الاثری فی مراحلہ الاولى، آفات تفسیر،^۲ الحروف المقطعه فی اوایل السور و نقد الآثار علی منصفه التمهید (عرضه روایات بر قرآن) در این کتاب مطرح شده است.

۱-۳-۱ توضیحی مختصر راجع به کتاب ارزشمند «التفسیر الأثری الجامع»

این تفسیر با همکاری دو گروه ده نفری از سال ۱۳۷۹ آغاز گردیده و تا پایان قرآن کریم فیش برداری شده است، اما فقط تا انتهای سوره بقره به قلم ایشان نگارش یافته و به زیور طبع آراسته گردیده است. همان طور که از اسم تفسیر مشخص است تفسیر ایشان متن محور است؛ یعنی تفسیر ترتیبی بر پایه خود قرآن و روایات ائمه معصومین؛ و حتی بعضی از روایان صحابه و تابعین. خاتمه مجلد اول این تفسیر، پایان سوره حمد است و پنج مجلد دیگر به تفسیر سوره بقره اختصاص یافته است. در این تفسیر ابتدا بخش های آیات تعیین گردیده و مفسر با استفاده از محتوای روایات موجود درباره آن، تفسیری اجمالی از آن ارائه نموده و سپس روایات مربوط به هر بخش را ذکر کرده که معمولاً به صورت ذیل دسته بندی شده است: روایاتی در بیان فضیلت سوره؛ روایاتی در بیان شأن نزول؛ روایاتی مربوط به قرائت؛ روایاتی در تفسیر واژگان و مفردات آیه؛ روایاتی در تفسیر مستقیم یا متناسب با آن بخش از آیات؛ روایات مجعول و اسرائیلیات.

آیت الله معرفت؛ در تفسیرش ذیل آیات الاحکام، روایاتی که حکم فقهی آیه را بیان نموده، آورده و سپس درباره آن حکم به طور مبسوط سخن می گوید. زبان اصلی ایشان عربی بود و تسلط کامل به ادبیات عرب داشتند و در تفسیر خود گاه از اشعار عرب برای فهم بهتر کلمات استفاده کرده و به سیاق آیات نیز توجه ویژه داشتند. گاهی مباحث عرفانی و کلامی نیز در این تفسیر بیان شده است. همچنین ایشان احادیث را هم از نظر سند و هم خود متن مورد نقد قرار داده اند. فصلنامه بینات، ش ۴۴، ص ۱۰۷-۹۹

هر چند ظاهر «التفسیر الاثری الجامع» تفسیری ترتیبی است، اما گاه شیوه موضوعی در آن به چشم می خورد. بدین معنا که آیات پیرامون برخی مسائل را یک جا آورده و مباحث کاملی در آن زمینه بیان نموده است.

همان طور که گفته شد در این تفسیر علاوه بر روایات شیعی، به دیگر روایات نیز توجه شده و حتی سخنان صحابه و تابعین آورده شده است. آیت الله معرفت؛ با استفاده از احادیث و اقوال مفسران فریقین در کنار هم، با نقدی منصفانه ذیل برخی از آنها، رویکردی جدید (رویکرد تقریبی) در تفسیر شکل داده است و این امر زمینه ساز وحدت بین شیعه و اهل تسنن شده است و باعث شده که همگان از احادیث اهل بیت^(ع) استفاده کنند تا به نقاط قوت روایات فریقین و رفع نقاط ابهام و ضعف آنها پی ببرند. از جمله امتیازات دیگر این تفسیر می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. قبل از ذکر روایات مربوط به هر آیه، بخش هایی از آیات تعیین گردیده، از این رو اطلاع از روایات مربوط به هر آیه آسان است و از طریق فهرست کاملی که در ابتدای تفسیر آمده، می توان به راحتی به مطالب تفسیری دست یافت.
۲. دسته بندی شدن روایات از نظر مضمون و محتوا در یک موضوع از دیگر مزایای این تفسیر است.
۳. در این تفسیر هنگام نقل روایت یا کلام تابعی و صحابه، نام منبع آن ذکر شده و از این رو دسترسی به مصادر آن آسان است.

اما نظریه های مهمی که ایشان در زمینه تفسیر ارائه دادند و راهگشای بسیار موثری برای سایر مفسران و محققین واقع شده است دو نظریه نسخ و بطن قرآن است.

۱-۳-۲ نظریه بطن قرآن کریم

آیت الله معرفت در مورد بطن می فرماید: «مقصود بطن آیه، مفهوم گسترده و دامنه داری است که در پس پرده ظاهر [یعنی ظاهر که در بند خصوصیات مورد نزول است] نهفته است که تحت شرایطی این مفهوم وسیع بایستی از بطن آیه استخراج شود.» (معرفت، ۱۴۱۷ق، ص ۹۱) او بطن قرآن را گسترده، همگانی و همیشگی می داند. (معرفت، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۸) و در واقع بطن قرآن را به معنی تأویل تعریف کرده است. (معرفت ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۳۰-۳۱)

یعنی دلالت التزامی و معنای طولی آیات قرآن کریم که به ژرفنگری ویژه ای نیاز دارد. شاید اولین کسی که تأویل را به معنی بطن گرفته است، در کلام امام باقر^(ع) باشد که امام باقر^(ع) ظاهر قرآن را موارد نزول آیات می داند که از ظاهر آیه؛ بر حسب موارد نزول به دست می آید ولی باطن آن مفهوم نهفته در آیات است که با زدودن لایه های ظاهری آشکار می گردد. «بطنه تأویل» (حر- عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۹۷)

علامه معرفت همچنین معتقد بود که غیر از ائمه معصومین؛ سایر افراد هم می توانند به بطن آیات دست یابند ولی باید طبق ضابطه و روش خاص معصومین؛ پیش برویم تا از تفسیر به رأی مصون بمانیم. بر این اساس او طی مراحل چهارگانه را برای بطن گیری قرآن لازم می داند: ۱- به دست آوردن هدف آیه؛ ۲- العالی خصوصیت از زمان و مکان که در اصل تحقق هدف دخالت ندارد؛ ۳- استنباط قاعده کلی از آیه؛ که باید بر اساس قاعده سبر و تقسیم منطقی باشد؛ ۴- تطبیق قاعده کلی مذکور بر مصادیق

جدید. البته باید توجه داشت که این قاعده کلی (همان معنای بطن) استخراجی باید بر ظاهر قرآن قابل تطبیق باشد (قاعده جری و تطبیق اصولی).^۳

در واقع این مراحل چهارگانه همان روش مورد تأیید ائمه اطهار: است. مثلاً در روایات آمده که (ماء معین) را به علم امام تأویل شده است چون آب حیات بخش دنیای مادی است همان طور که امامان و علم حیات بخش دنیای معنویند. (حسینی استرآبادی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۰۸)

۱-۳-۳ نظریه نسخ مشروط، تمهیدی، تدریجی

مرحوم علامه معرفت در تعریف نسخ گفته‌اند: «نسخ رفع قانون سابق به وسیله قانون است، به صورتی که اجتماع آن دو ممکن نباشد. که این عدم امکان اجتماع ذاتی است در هنگامی که تنافی بین آن‌ها روشن باشد یا عدم امکان اجتماع به خاطر دلیل خاص مثل اجماع ونص صریح است.» (معرفت، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۷۴) نسخ در تعریف علامه کمی متفاوت از تعریف سایر اصولیین می‌باشد. او در نسخ مشروط (تمهیدی؛ تدریجی) قائل به این است که حکم سابق با تغییر شرایط؛ نسخ می‌شود ولی با اعاده شرایط، حکم منسوخ قابل بازگشت است مثلاً در شرایطی که جمعیت مسلمین کم بود قرآن توصیه به صلح و مدارا با دشمنان اسلام کرده است ولی در جایی که جمعیت مسلمانان جزء حداکثری جامعه است حکم به تشکیل حکومت اسلامی و بعضاً ساکت کردن دشمنان اسلام به وسیله حکم به جهاد کرده است.

علامه معرفت تفاوتی برای نسخ مشروط، تمهیدی و تدریجی قائل نشده است اما این معنای جدید از نظر دکتر رضایی اصفهانی صاحب تفسیر مهر؛ تفاوت‌هایی دارند. که به طور خلاصه می‌توان گفت: در نسخ مشروط شارع به خاطر شرایط حکمی صادر کرده که اگر شرایط تغییر کند حکم عوض می‌شود. در نسخ تمهیدی شارع به خاطر حکمی غلط که در جامعه رواج دارد مقدماتی فراهم می‌کند تا آن سنت غلط و حکم غلط از جامعه برداشته شود. در نسخ تدریجی شارع مرتبه‌ای شدیدتر از یک حکم را اجرا می‌کند تا سنت غلطی را از جامعه بردارد؛ در این نوع نسخ، ممکن است شرایط مشابهی برای مسلمانان یا نو مسلمانان پیش بیاید و حاکم اسلامی مجبور شود از مراتب و مراحل اولیه حکم، برای لغو سنت غلط استفاده کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۵)

این دو نظریه مرحوم علامه معرفت از راهکارهای ویژه برای تطبیق قرآن در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت محسوب می‌شود و رمز جاودانگی قرآن کریم را کاملاً آشکار می‌سازد.^۴

۱-۳-۴ نقش اهل بیت علیهم السلام و صحابه در تفسیر قرآن کریم از منظر استاد معرفت

آیت‌الله معرفت معتقد بود با توجه به انبوه احادیث وارده در بیان احکام شریعت و روایاتی در شرح و تبیین مبهمات آیات آمده است و به ضمیمه آنچه از صحابه و ائمه اهل بیت: در دست است، ظاهراً جایی از قرآن که نیاز به تفسیر داشته باشد باقی نمانده. (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۸) همچنین او معتقد است که اصحاب هوشیار پیامبر ۹ همواره از مراجعه اهل کتاب بر حذر بودند و افسانه‌ها را بی‌مقدار می‌شمردند. (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۰)

آغاز نشر اسرائیلات و احادیث جعلی در میان مسلمانان دوره حکومت امویان بود و از ساحت قدس صحابه به خصوص ابن عباس، ابن مسعود و حضرت امیر ۷ به دور بود؛ و از صحابه نقل شده که با نقل احادیث از اهل کتاب به شدت مخالفت می‌کردند. (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۱) او درباره جایگاه تفسیر و آرا صحابه در چند جا مطالب ارزشمندی را ارائه داده است: کتاب تفسیرشان، کتاب تفسیر مفسران و در کتاب ده درسشان که همزمان با تفسیر اثری جامع تحریر شد. نظرات علامه راجع به صحابه را می‌شود در چند بند خلاصه کرد:

۱. در تعریف صحابی نه ملاقات یک لحظه‌ای پیامبر ۹ و نه طول مصاحبت، معیار صحت اطلاق نیست. بلکه این عنوان زبینه کسانی است که آینه‌دار کمالات و دانش و معنویت پیامبر ۹ باشند و پس از ارتحال او از جاده صواب منحرف نشده باشند.
۲. پیامبر اکرم ۹ در کنار همه وظائف خود، بر اساس مفاد آیه «نفر» به تربیت گروهی ویژه از پیروان خود اهتمام کرد که وظیفه تبلیغ و نشر معارف اسلامی را در زمان حضور و پس از ارتحال ایشان بر عهده گیرند. در این میان حضرت امیرالمؤمنین ۹ هر چند جزء این گروه است اما مقام مرجع را ایفا می‌کند به این معنا که در صورت اختلاف صحابه در موضوعی علمی و دینی نگاه‌ها متوجه ایشان می‌باشد. بنابراین اختلاف احتمالی میان صحابه در زمینه تفسیر قرآن با مرجعیت حضرت علی ۷ مرتفع می‌گردد.
۳. مشهورترین صحابه جلیل‌القدر که نقش گسترش و ترویج معارف دین و قرآن را دارند، چهار نفرند: امیرالمؤمنین ۷، عبدالله بن مسعود، ابی‌بن کعب و عبد الله بن عباس. نکته مشترک سه صحابی دیگر ارادت، ایمان، ثبات قدم و شاگردی آنان از مولای متقیان است.

۴. اگر عنوان صحابه منحصر به صحابه جلیل‌القدر باشد که تربیت شدگان ویژه حضرت محمد بن عبدالله^۹ هستند، آنان که پس از ارتحال آن حضرت انحرافی در منش و روش خود پدید نیاوردند، به طور حتم عادل بوده و سخنان آنان در حوزه نقل روایت از پیامبر اکرم^۹ حجت است. مشروط به آن که در سلسله سند روایت از آنان خللی وجود نداشته باشد.

۵. مطالب امامان معصوم^{علیهم‌السلام} در حوزه تفسیر نیز به دلیل صدورشان از جایگاه عصمت درست و حق بوده و احتمال خطا در آن‌ها راه ندارد. به خلاف مطالب تفسیری صحابه و تابعان که هر چند جلیل‌القدر باشند در نظرات آن‌ها احتمال خطا وجود دارد. ۶. به دلیل نکته‌ی دوم مراجعه ما به امامان معصوم: مراجعه متعبدانه و مقلدانه است اما مراجعه به صحابه و تابعان مجتهدانه و از سر استفاده از اولین تجربه‌های تفسیری نزدیک به عصر پیامبر اکرم^(ص) و عصر نزول می‌باشد.

بنابراین استاد معرفت از خصیصان پیامبر^(ص)، شاگردان، ارادتمندان و موالیان علی^۷ است که با پذیرش مرجعیت مولای متقیان به گسترش و نشر معارف قرآنی اهتمام نمودند. این گروه محور بحث در حجیت و اعتباراند. حجیت نه به معنای تشریح و تبیین بلکه به معنای ارزش و اعتبار فهم و درایت آن‌ها به عنوان یکی از میراث‌های ارزشمند علم تفسیر که به دلیل نزدیکی این گروه از مفسران به عهد نزول و یا استفاده از پیامبر اکرم^(ص) دارای تجارب ارزنده‌ای در فهم مراد جدی خدای متعال هستند.

۱-۳-۵ نظر استاد معرفت راجع به نقد اسرائیلیات

به جرأت می‌توان ادعا کرد که تیغ نقد استاد معرفت نسبت به اسرائیلیات و موضوعات، بیش از تمام محققان دیگر برنده و تیز است. با ژرف‌اندیشی و نکته‌سنجی و نیز شناخت ماهیت و منشأ آنها، هوشمندانه به تحلیل و رد آنها پرداخته است و به همین جهت، گاه حتی به افرادی همچون ابن کثیر و آلوسی نیز اعتراض می‌کند و تساهل محدود آنها را نسبت به پاره‌ای اسرائیلیات نمی‌پذیرد. و به طور کلی، به دو شیوه، اسرائیلیات را شناسایی و نقد می‌کند: ۱. نقد سندی؛ ۲. نقد محتوایی. در نقد سندی؛ نخست ماهیت و منشأ اسرائیلیات را معرفی می‌کند سپس مهم‌ترین چهره‌های جعل‌کننده و نشردهنده اسرائیلیات معرفی می‌کند و بعد از آن با احاطه‌ای که به علم رجال و حدیث دارد، اسناد بسیاری از اسرائیلیات را بررسی نموده و ضعف آنها را به اثبات رسانده‌اند.

در نقد محتوایی نیز استاد معرفت روایات را اول با قرآن و احادیث معتبر مطابقت می‌دهد؛ سپس احادیث را با عقل، حس و تجربه، تاریخ، علم قطعی می‌سنجد و به نوع کلمات به کار رفته در روایات که رکیک نباشند و با ادبیات عرب مخالفت نداشته باشند و اینکه در متن اضطرابی وجود نداشته باشد توجه می‌کند و اینکه آیا مطالب عجیب غریب و مبالغه‌آمیز نیستند و یا خلاف با سنت‌های خدا در آفرینش و مقام عصمت پیامبران نباشند. علامه معرفت برای شناسایی احادیث صحیح از اسرائیلیات همه این موارد را در نظر می‌گرفتند که شایسته است سایر محققان، محدثان و قرآن پژوهان، از شیوه‌های علامه برای تشخیص روایان صحیح بهره گیرند.^۵

۲- پروفیسور ایزوتسو

۲-۱ زندگی‌نامه

توشی هیکو ایزوتسو در ۴ مه ۱۹۱۴ در توکیو به دنیا آمد. (اردیبهشت ۱۲۹۳ ه.ش) از آنجا که پدرش به تمرین ذن می‌پرداخت، از همان ابتدا با بودیسم آشنا شد و پدرش وی را به تمرین مدیتیشن و مطالعه متون کلاسیک در این زمینه واداشت. او پس از تغییر رشته از اقتصاد به ادبیات انگلیسی در دانشگاه کتو واقع در توکیو مدرک لیسانس خود را دریافت کرد. در واقع این تغییر رشته واکنشی به خانواده‌اش بود که به عرفان شرقی وابسته بودند. سال ۱۹۳۷ از دانشگاه کیو (Keio) فارغ التحصیل دکتری ادبیات شد و در همانجا تا استادی پیش رفت. او می‌خواست سر از عرفان غربی دربیورد، و کتابی در دو جلد برای معرفی عرفان یونانی برای ژاپنی‌ها نگاشت. در این زمان، زبان عربی رانیز فراگرفت (حدوداً در بیست سالگی) استاد او عالمی تاتاری به نام موسی جارالله بود. (در روستوف دون روسیه)^۶

ایزوتسو علاوه بر ژاپن در دو کشور دیگر نیز به تحصیل و تدریس پرداخت: یکی دانشگاه مک‌گیل در مونترال کانادا که در ۱۹۷۵ حائز مدرک پرفیسوری فلسفه اسلامی شد و دیگری به مدت حدود ۱۰ سال در انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران واقع در تهران بود؛ انجمنی که با مدیریت سید حسین نصر به بازنشر و تعلیم فلسفه شرق (به ویژه ایران باستان)، فلسفه اسلامی و فلسفه غرب می‌پرداخت. ایزوتسو در مدت حضور خود در ایران به تدریس اصول فلسفه تطبیقی به زبان انگلیسی، ذن و آرای عرفایی چون ابن عربی پرداخت، ضمن اینکه در کنار تدریس به کار ترجمه برخی آثار غزالی و ملاصدرا به زبان ژاپنی مشغول بود.

توشی هیکو با ظهور انقلاب اسلامی به ژاپن برگشت و از آن پس عمده آثار مهم و بدیع خود را منتشر ساخت. پروفیسور ایزوتسو در هفتم ژانویه ۱۹۹۳ میلادی (هفدهم دیماه ۱۳۷۱) در ۷۹ سالگی در شهر کاماکاری ژاپن درگذشت.

ایزوتسو بر بیش از سی زبان زنده دنیا تسلط داشت. از جمله: انگلیسی، فرانسه، آلمانی، لاتینی، ایتالیایی، اسپانیایی و همچنین عبری، چینی قدیم، چینی جدید، سانسکریت، فارسی، ترکی و ادبیات روسی. در مورد خصوصیات ویژه پروفیسور می‌توان گفت او زبان شناس، قرآن پژوه، اسلام‌شناس و فیلسوف بود.

۲-۲ فعالیت‌ها و آثار علمی

ایزوتسو نیز سفرهای علمی بسیاری داشته؛ بعد از تحصیلاتش در ژاپن، سال ۱۹۵۹ شش ماه به لبنان رفت و یک سال در قاهره به سر برد. او در مصر با محمد ابراهیم مدکور، مؤلف کتاب «فی الفلسفة الاسلامیة منهج و تطبیق» آشنا شد و به عضویت فرهنگستان زبان عربی (مجمع اللغة العربیة) قاهره درآمد.

در سال ۱۹۶۱ به مونترال کانادا رفت و سیر جدیدی از مطالعات اسلامی خود را آغاز کرد. پروفیسور ایزوتسو تا سال ۱۹۶۹ شش ماه در ژاپن و شش ماه در مونترال به سر می‌برد، او در سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۷ در ژاپن اثری بین‌الادیانی تألیف کرد تحت عنوان یک مطالعه مقارنه‌ای در خصوص مفاهیم فلسفی در تصوف و تائوئیسم با عنوان «ابن عربی و لائوتزو-چوانگ تزو»، که توسط مؤسسه مطالعات فرهنگی و زبان‌شناسی دانشگاه کیو و تحت سرپرستی نوبئیرو ماتسوموتو به چاپ رساند.

او نخست به تدریس متون فلسفی یونانی و لاتین و مدتی نیز به تدریس مباحث علم زبان‌شناسی و معنی‌شناسی مشغول بود. و از این طریق، با زبان عربی آشنا و برای نخستین بار قرآن کریم را از عربی به زبان ژاپنی ترجمه کرد. ممارست در فلسفه و تسلط به زبان عربی، وی را با آثار غزالی و کلام اشعری و همچنین آثار ابن‌سینا آشنا ساخت و در مؤسسه مطالعات اسلامی مک‌گیل، نجات ابن‌سینا و الاقتصاد فی الاعتقاد غزالی را تدریس کرد.

در سال ۱۹۶۹ میلادی به ایران آمد، و در انجمن فلسفه مشغول به تدریس فلسفه شد. دانشگاه تهران درجه ی دکتری افتخاری به او اعطا کرد. ایزوتسو چندین بار با شهید مطهری دیدار داشت و با همکاری دکتر محقق تحقیقات زیادی را انجام دادند. در سال ۱۳۴۴، که مهدی محقق به تدریس کلام شیعه و فلسفه اسلامی - ایرانی می‌پرداخت، ایزوتسو با تفکر فلسفی شیعی و حکمای شیعه آشنا شد و در این زمینه به تحقیق پرداخت. از این رو، با همکاری مهدی محقق «سلسله دانش ایرانی» را در آن مؤسسه ژاپنی بنیان نهاد. در مورد علاقه او به افکار فلسفی و عرفانی اسلام وقتی از پروفیسور پرسیده شد؟ در پاسخ گفت: «درست نمی‌دانم، دیگران هم این سؤال را از من کرده‌اند و من جواب منطقی به این سؤال ندارم. علاقه من به اسلام چیز مرموزی است که نمی‌توانم آن را توضیح دهم. همین قدر می‌گویم که اسلام مرا مسحور خود کرده است.» (ایزوتسو ۱۳۶۱، ص ۱۹۳).

پروفیسور ایزوتسو در چندین مجمع علمی بین‌المللی عضویت داشت:

۱. فرهنگستان زبان و ادبیات عرب، قاهره (مصر)
 ۲. مؤسسه بین‌المللی فلسفه، پاریس (فرانسه)
 ۳. انجمن بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی، لون (بلژیک)
 ۴. انجمن کانادایی مطالعات تاریخ و فلسفه علوم، مونترال (کانادا)
- وی در چندین دانشگاه همچون: اراویس سوئیس^۱، دانشگاه کیو، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تدریس داشته و رئیس مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا بود.

او ۱۲۰ اثر علمی-پژوهشی از خود به‌جای گذاشت. مهم‌ترین آثار و تحقیقات ایزوتسو اعم از مقاله، کتاب و ترجمه که در سه قلمرو عرفان، فلسفه و قرآن پژوهی قابل‌دسته‌بندی است به شرح زیر است:

۱. «تاریخ تفکر عربی»: نخستین کتاب ایزوتسو است که در ۲۶ سالگی به زبان ژاپنی نوشته است.
۲. «کتابی درباره فلسفه»: که جنبه عرفانی دارد. او در این کتاب، بر فلسفه نوافلاطونی و عرفان یونانی تأکید کرد.
۳. «محمد(ص)»: این کتاب نخستین کتاب ایزوتسو در باب مطالعات اسلامی به زبان ژاپنی است.
۴. ترجمه قرآن مجید به زبان ژاپنی از سال (۱۹۵۱ تا ۱۹۵۸) که بنا به گفته ایزوتسو از برکت همین ترجمه، موفق به نگارش دو کتاب دیگر درباره قرآن شده است. اولین ترجمه قرآن به زبان ژاپنی (از انگلیسی) در سال ۱۹۲۹ چاپ و منتشر شد. این ترجمه توسط «سوکاموتوکی چی» صورت گرفت. ترجمه ایزوتسو همراه با شرح عربی و با کمک سه تن از دانشمندان نامدار انجام گرفت؛ این ترجمه در سه جلد به چاپ رسید. ترجمه دیگری از قرآن در ژاپن به دست یک مترجم مسلمان به نام «میتارا یوایچی» انجام شد.^۱
۵. «خدا و انسان در قرآن» که در سال ۱۹۶۴ در توکیو انتشار یافت.
۶. «ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن»: به زبان انگلیسی است. دو کتاب اخیر حاصل یادداشت‌هایی است که حین ترجمه قرآن برمی‌داشت. سال ۱۳۶۰ و با دکتر فریدون بدره‌ای کرد.
۷. «مفهوم ایمان در کلام اسلامی»: ترجمه شده توسط زهرا پورسینا،

۸. منشأ فلسفه اسلامی (سلسله سخنرانی‌های ایزوتسو در ژاپن درباره عرفان)

۹. عمق فرهنگ اسلامی

۱۰. تولد اسلام. تاریخ تفکر اسلامی. سلسله کتاب‌های «میراث اسلام» زیر نظر ایزوتسو.

۱۱. ماهیت و کلی طبیعی در فلسفه اسلامی ایران

۱۲. ماهیت لابشرط در فلسفه اسلامی ایران

۱۳. اساس اندیشه‌های مابعدالطبیعی در فلسفه اسلامی ایران

۱۴. رساله خلق مدام، ترجمه منصوره (شیوا) کاویانی. و ...^۹

۲-۳ روش‌های تفسیری و نظریه‌های قرآنی

تحقیقات ایزوتسو بر سه محور عرفان و فلسفه و قرآن پژوهی بوده. روش او در شناخت اسلام غیر از اسلام‌شناسان غربی بوده و بیشتر بخاطر علاقه فراوانی که به فلسفه و عرفان داشت به اسلام رو آورد و بعد از آن به تحقیقات تاریخی در زمینه جهان اسلام پرداخت. وی به جهان خود از دل آیات قرآن می‌نگریست و به نظر او قرآن یک تأویل اخلاقی الهی است و برای فهم قرآن از خود قرآن کمک گرفت به اعتقاد او متن را باید در حاشیه محدودی که در خود قرآن است فهمید. ایزوتسو تا حدودی با بکارگیری روش معناشناختی، خود را از تفسیر به رأی مبری ساخت. این شیوه نه فقط در پژوهش‌های قرآنی بلکه در علوم انسانی جایگاه ویژه دارد.

۲-۳-۱ کتاب «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید» و «خدا و انسان در قرآن»

یکی از مؤثرترین دانشمندان در زمینه معناشناسی قرآن، توشی هیکو ایزوتسو است که در کتاب «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید» این نظریه را مطرح کرده است. مطابق نظر این کتاب، مفاهیم اخلاقی-دینی قرآن دو دسته‌اند: دسته اول، تقابل‌های اخلاقی که قرآن به تأیید یا تصحیح آن‌ها و یا مخالفت با آن‌ها می‌پردازد؛ از جمله تصوّر بدبینانه زندگی خاکی، همبستگی قومی و قبیله‌ای و فضیلت‌های کهن در میان اعراب. دسته دوم، مفاهیم عمده اخلاقی که هر یک از آن‌ها بسیاری از واژه‌های مهم اخلاقی را در بر می‌گیرند و از این قرارند: کفر، نفاق، ایمان، خوب و بد. تأکید مؤلف بر، توجه تام به قرآن است. چنان‌که «قرآن خود سخن گوید و مفاهیم خود را تفسیر و تعبیر کند» از این رو، به روابط میان واژه‌ها توجه بسیار داشته است. روش او در این کتاب، از چند شاخصه برخوردار است: بیان نظریه‌های مختلف، ارائه نظریه‌های جدید، ارجاع فراوان به آیات قرآن، پرهیز از شتابزدگی و توجه به جنبه‌های مختلف، اعتقاد به یکپارچگی و اخلاقی بودن مباحث قرآن، اعتقاد به نسبتیت در اخلاق، پیروی از سیر منطقی در ارائه مفاهیم و نیز اعتقاد به نسبتیت زبانی و متن‌گرایی. از جمله مزایای این اثر: دسته‌بندی کاملاً مناسب، سعی در استخراج معانی واژه‌ها از خود قرآن و استفاده از منابع گوناگون تدوین کتاب است.

اما کاستی‌های آن عبارتند از: وجود برخی اشتباه در کتاب، مانند اشتباه در ذکر آیات قرآن، استفاده نکردن از منابع شیعی در ذکر مثال‌ها و توجه نکردن به وجوه گوناگون و معانی متعدّد واژه‌هاست. با این همه، ایزوتسو بی‌طرفانه به ارائه مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن پرداخته و در بسیاری موارد نیز نتایج مفید و منطقی پدید آورده است که اگر شخص دیگری نیز به این کار می‌پرداخت، به نتایج مشابه او دست می‌یافت.

هرچند ایزوتسو بی‌طرفانه به ارائه مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن پرداخته است، اما لغزش‌هایی هم در این راه داشته است؛ زیرا نمی‌توان انتظار داشت که او مانند شخصی مسلمان به آیات قرآن بنگرد.

ایزوتسو در خاتمه کتاب، دستاوردهای خودش را بیان می‌کند که در اینجا بعضی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

(۱) هر سیستم یا دستگاه زبانی، نمایانگر گروهی از مفاهیم هم‌آراست که بر روی هم، جهان‌بینی خاصی را منعکس می‌سازد که خاص و مشترک فیه مردمانی است که به آن زبان سخن می‌گویند.

(۲) عربی قرآنی از جنبه معنایی منطبق با چیزی است که ما به حق می‌توانیم جهان‌بینی قرآن بنامیم و این جهان‌بینی به نوبه خود جزئی از جهان‌بینی گسترده‌تری است که در زبان عربی قدیم انعکاس یافته است و زبان اخلاقی قرآن نمایانگر تنها بخشی از جهان‌بینی قرآن می‌باشد.

(۳) تنها با مراجعه به فرهنگ‌های لغت نمی‌توانیم به مفاهیم واژه‌ها دست یابیم، بلکه باید روش خاصی ابداع کنیم که به وسیله آن بتوان رفتار هر یک از واژه‌های کلیدی را در تمام بافت‌های متعین زبانی آنها بررسی نمود. بنابراین، باید روشی یافت که واژه‌های قرآن خود معنای خویش را تبیین کنند. (به نوعی تعبیری از تفسیر قرآن به قرآن را مطرح کرده است)^{۱۰}

(۴) معمولاً چنین تصوّر می‌شود که پیدایش اسلام با مذهب شرک پیش از اسلام هیچ پیوندی نداشته است، در حالی که کاملاً روشن است که از یک نظر میان شرک و چندخدایی اعراب و نیز یکتاپرستی و توحید اسلام رابطه‌ای انکارناپذیر وجود دارد. اگر

تصور کنیم که اعراب پیش از اسلام به کلی از ارزش‌های عالی اخلاقی به دور بوده‌اند، نسبت به آنان بی‌عدالتی بزرگی روا داشته‌ایم. (می‌توان گفت او توجه به سبب نزول و شأن نزول را راهی برای درک درست و عمیقتر از آیات قرآن می‌داند).

(۵) قرآن بعضی از ارزش‌های پیش از اسلام را به کلی طرد و رد نموده است، اما بیشتر آنها پذیرفته شد و متناسب با خواست‌ها و نیازهای دین جدید، مورد تغییر، اصلاح و بسط قرار گرفت. (طبق این مطلب شاید بتوان گفت او معتقد است بیشتر احکام قرآن امضایی است تا این که حکم جدیدی را بیان کند).

(۶) نظام اخلاقی - دینی قرآن، مبتنی بر دوگانگی ساده، اما قوی و دقیق میان خوب و بد است.

(۷) قرآن به جای اینکه مفاهیم خوب و بد را به شیوه‌ای کم و بیش انتزاعی و تجریدی به کاربرد، اخلاق و رفتار انسان را به صورتی کاملاً عینی و ملموس مورد قضاوت قرار می‌دهد.

(۸) دو مفهوم ایمان و کفر به مثابه ستونی هستند که اخلاقیات قرآنی بر پایه آن‌ها استوار شده است.

(۹) در قرآن سرچشمه و زمینه غایی همه چیزها، دین است.

(۱۰) مفاهیم اخلاقی-دینی به ارتباط عمودی میان انسان‌ها و خداوند مربوط است. (ایزوتسو، ۱۳۷۸ش، ص ۵۱۷-۵۲۲)

در واقع او بدون اینکه متعلق به دینی باشد به همه ادیان تعلق خاطر دارد و مسحور قرآن شده و در سه حوزه اخلاقی با روش معناشناختی به پژوهش قرآنی پرداخته: اول) شناخت اوصاف خداوند دوم) ارتباط اخلاقی انسان با خدا_ او این اخلاق را دینداری می‌داند_ سوم) رابطه انسان‌ها با هم. از نظر ایزوتسو اخلاق قرآن خدا محور است و متمایز از سایر اخلاق هاست که باید فقط در حوزه دین اسلام تفسیر شود.

هسته اصلی پژوهش ایزوتسو در تحقیقات قرآن پژوهی؛ بیرون کشیدن نظام جهان‌بینی قرآن از دل آیات باهرات وحی است. از دیدگاه او همه چیز در قرآن به یک تأویل اخلاقی یا الهی می‌انجامد. آنجا که از امت‌های گذشته و به شکل داستان سخن می‌گوید تا زمانی که به مسلمان اختیار می‌دهد که یک حکم یا فریضه دینی را اجرا کند، در واقع همه این‌ها قابل تأویل به یک نتیجه اخلاقی است. همچنین ایزوتسو به استقلال فرهنگ‌ها معتقد بود و به نظر او نباید قرآن را بر پایه فرهنگی خاص به تفسیر آن پرداخت.

۲-۳-۲ نظریه معنی‌شناسی در آیات قرآن

رویگرد مستشرقین به قرآن و علوم قرآنی و یا هر متن رازناکی از چند روش کلی خارج نیست:

الف. رویگرد تاریخی که به قرآن یا متن مورد نظر، به عنوان یک سند تاریخی می‌نگرد، مانند کاری که «نولدکه» و همکاران او «فردریک شوالی»، «برگستراسر» و «آلوئیس اشپرتگر» درباره قرآن انجام دادند.

ب. زبان‌شناسانه؛ مانند کار آرثور جفری در کتاب واژگان بیگانه و دیگران. ترجمه قرآن به زبان‌های بیگانه را نیز باید از قبیل برخورد زبان‌شناسانه به حساب آورد.

ج. برخورد متنی؛ مانند تحقیقاتی که ایگناتس گلدزیهر درباره قرآن انجام داده است. و نقدهایی بر متن قرآن وارد کرد.

د. رویکرد معنایی یا معنی‌شناسانه. معنی‌شناسی یا علم دلالت لفظ بر معنی از شعب و شاخه‌های رشته زبان‌شناسی است. هـ نگاه و برخورد اسطوره‌ای که این فکر نسب به اندیشه‌های اگوست کنت می‌برد. و برخوردی اسطوره‌زدایانه دارد مانند کاری که رودلف بولتمان در الهیات مسیحی انجام داده است.

دانش زبان‌شناسی در بین علوم مانند مکنده‌ای است که همه چیز را به دنبال خود می‌کشد و فرآورده‌هایی ژرف و ریشه‌دار از زبان، فرهنگ، آداب و رسوم کهن را برای عصرها بعدی به ارمغان می‌برد. از شاخه‌های دانش زبان‌شناسی، سمانتیک یا دلالت لفظ بر یک یا چند معنی است که خود به انواع گوناگون تقسیم می‌پذیرد. یکی از دانشمندان علوم قرآنی که با استفاده از این رشته به کشفیات درخور توجهی نایل گردیده، پروفیسور ایزوتسو است.

در تعریف روش معناشناختی می‌توان گفت: هرمنوتیک دانش فهم کلام است که روش‌های مختلف دارد و معناشناسی یکی از روش‌هاست. پس معناشناسی به عنوان یک رشته علمی و یک روش فهم مباحث زبان‌شناسی شناخته شده می‌شود که با مفردات جمله و کلمات سر و کار دارد.

پس هرچند ایزوتسو اولین کسی نبود که نظریه معناشناسی و زبان‌شناختی را مطرح کرد؛ ولی شاید بتوان گفت اولین کسی بود که این نظریه را در قرآن جاری ساخت. الفاظ از نظر ایزوتسو دو نوع‌اند: الفاظی که در جمله معنای خودشان را دارند و الفاظی که در بدنه متن و با هم‌نشینی سایر الفاظ معنا می‌یابد. ایزوتسو برای فهم الفاظ نوع دوم روشی را معرفی کرده:

۱- رجوع به خود قرآن و کاربرد کلمه در جای جای قرآن

۲- از طریق مترادفات آن کلمه

۳- از طریق متضادهای آن کلمه

۲-۳-۳ نقدی بر نظریه زبان‌شناختی پروفیسور ایزوتسو

قرآن یک متن مقدس رازناک است که لایه‌های درونی و بیرونی آن قابل تأمل است و به همین خاطر مفاهیم آن نیز دارای وجوه زیرین و زیرین است و برای اینکه قرآن در سطح ادراک مردم قابل فهم باشد، عبارات آن تا سطح زبان مردم تنزل داده شده است. بدین رو وقتی که از زبان قرآن سخن می‌گوییم، مراد همین زبان رایج در حدّ سطح است. نه کلام، چون کلام بستر اندیشه است، ولی زبان راه تلاقی اندیشه‌ها است نه خود اندیشه. به همین جهت این سخن ایزوتسو جای ابهام دارد که می‌گوید: «وحی اساساً مفهومی زبان‌شناختی است».^{۱۲} البته ایزوتسو خود میان لسان به معنای متعارف کلمه و کلام تفاوت قائل است، اما اینکه اساساً وحی را منحصر به سطوح زبان‌شناسی به معنای عام آن دانستن، در خور و سزای کلام الهی نبوده و نیست.

۲-۳-۴ دیدگاه پدیدارشناسی ایزوتسو

کلّیت دیدگاه ایزوتسو بر پایه پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی به معنای نگرش همدلانه با موضوع مورد بررسی است. روش‌های بسیاری در پژوهش قرآن وجود دارند؛ نظیر روش تاریخی، اسطوره‌ای، متنی و معناشناختی و... ایزوتسو در استفاده از روش معناشناختی، همه موارد را به کار گرفت. به اعتقاد این پژوهشگر برای فهم هر واژه باید زمینه تاریخی و فرهنگی آن را در نظر گرفت، چرا که برخی از واژه‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت معنایی پیدا می‌کنند. بر اساس این رویکرد است که معنا و مقصود از لغات در دوران پیش از اسلام را درمی‌یابیم. او این دیدگاه را مبنای دیدگاه خود در قرآن‌پژوهی خود قرار داد.

۳- مقایسه دیدگاه‌ها و نتیجه‌گیری**۳-۱ اشتراکات**

- ✓ هر دو متفکر معاصر قرآن‌پژوه بودند و به زبان عربی آشنایی کامل داشتند.
- ✓ علامه معرفت ترجمه و تفسیر قرآن نوشتند و اصولی را برای ترجمه قرآن قائل هستند و مقالاتی نیز در این خصوص نوشتند. همان‌طور که یکی از فعالیت‌های ایزوتسو ترجمه قرآن به ژاپنی بود و با روش معناشناختی برای فهم قرآن تلاش ویژه داشت.
- ✓ برخلاف علامه طباطبایی^(۱۳) که قرآن را غیر از الفاظ و عبارات کنونی می‌دانست؛ و معنای بطن قرآن را همان معنای نزولی لوح محفوظ تلقی می‌کرد^{۱۴} علامه معرفت معتقد است نمی‌توان ماهیتی غیر از آنچه در دسترس است برای قرآن قائل شد و مفهوم بطن یا تأویل قرآن نباید مخالف ظاهر آیات باشد همچنین آیت‌الله معرفت معتقد است افراد عادی نیز با تفکر عمیق و با طی مراحل چهارگانه می‌توانند به بطن قرآن دست بیابند. به اعتقاد ایزوتسو نیز متن را باید در حاشیه محدودی که در خود قرآن است فهمید.
- ✓ علامه معرفت در تفسیر خود به مباحث عرفانی و کلامی نیز اشاراتی داشته‌اند. همان‌طور که پروفیسور ایزوتسو نیز به خاطر علاقه ویژه‌ای که به مباحث فلسفی و عرفانی داشت به قرآن کریم روی آورد و با این رویکرد بر قرآن می‌نگریست.
- ✓ آیت‌الله معرفت و ایزوتسو غیر از قرآن پژوهی به مباحث دیگر نیز وارد شده‌اند. (به‌عنوان مثال علامه به اصول و علوم-دینی؛ ایزوتسو به عرفان و فلسفه)
- ✓ علامه معرفت بیشتر دنبال معرفی روش صحیح تفسیر بودند تا صرفاً به دنبال تألیف یک تفسیر مدون باشند. ایزوتسو نیز راه حل فهم درست از قرآن را بیان کرده و حتی تفسیری از قرآن ارائه نکرده.
- ✓ ایزوتسو و علامه هر دو معتقد به وحیانی و معجزه بودن قرآن کریم داشتند و آن را کلامی غیربشری و الهی می‌دانند.

۳-۲ افتراقات

- ✓ آیت‌الله معرفت مذهب شیعه است و شیعه اثنی‌اعشری بود. ولی ایزوتسو علی‌رغم علاقه ویژه‌ای که به اسلام و مذهب شیعه داشت، مسلمان نشد و از جمله مستشرقین محسوب می‌شود. هرچند مستشرقی بوده که به خاطر علاقه‌اش به قرآن کریم در این زمینه تحقیقات ویژه داشته است و دنبال تخریب اسلام نبوده. او خود را مسحور شده اسلام می‌دانست؛ نه مسلمان. (ایزوتسو، ۱۳۸۰؛ ص ۲۵)
- ✓ علامه تفسیری با عنوان تفسیر جامع اثری دارند که هرچند ناتمام ماند ولی در مقدمه‌اش روش‌هایی تفسیری را مطرح کردند. و نظریات قرآنی ارائه دادند که مورد توجه بسیاری از محققین و قرآن‌پژوهان قرار گرفت. ولی ایزوتسو تفسیری از قرآن ندارد و فقط برای فهم مباحث زبان‌شناختی قرآن تحقیقات ویژه داشته و تنها نظریه زبان‌شناختی او در باب تفسیر و فهم قرآن مورد توجه سایر قرآن‌پژوهان قرار گرفت. هرچند مرحوم ایزوتسو به تفکر دقیق و عمیق در مفاهیم قرآن پرداخته بود و علاقه بسیاری به قرآن کریم داشت.

✓ گفته شده که ایزوتسو به بیشتر از ۳۰ زبان تسلط داشته ولی علامه معرفت ظاهراً فقط به عربی و فارسی که زبان مادریشان بوده تسلط داشتند. حال علامه خودش به ترجمه بسیاری از آثارش می‌پرداخت؛ در صورتی که پروفسور ایزوتسو با توجه به اینکه تسلطشان بر زبان‌های مختلف، افراد دیگری بعد از حیات ایشان به ترجمه تألیفاتش پرداختند و بیشتر آثار ایشان در زمینه ترجمه آثار قدیمی عرفانی=فلسفی ایران و جهان اسلام بود.

پانویس

۱. مفسر در این بخش خواننده را به کتاب «التفسیر و المفسرون» ارجاع داده و پس از اشاره به معنای لغوی و اصطلاحی تفسیر و تأویل، روایاتی در باب ظاهر و باطن قرآن ذکر نموده است.
۲. مفسر در ابتدای این بخش، آفات تفاسیر نقلی و اجتهادی را بیان کرده است. وی اهمّ مواضع آفت در تفاسیر اثری را وجود اسرائیلیات و جعل احادیث دانسته و اهمّ آفات تفاسیر اجتهادی را احتمال تفسیر به رأی و تحمیل رأی شخصی به قرآن می‌داند. (ج ۱، ص ۱۲۹)
۳. یعنی قاعده کلی به منزله ی صغرای کلی باشد که صغرای آن مورد نزول و ظاهر آیه است، که مجموعاً یک استدلال منطقی را به وجود بیاورد. یعنی تنزیل و تأویل مثل عام و خاص با هم توافق داشته باشند. معرفت، ۱۳۸۷، ص ۳۳-۳۴
۴. مقاله نسخ مشروط و تمهیدی؛ محمدعلی رضایی اصفهانی
۵. برگرفته از جلد دوم تفسیر مفسران مباحث راجع به اسرائیلیات و مقاله ای با این عنوان (نقد اسرائیلیات از دیدگاه آیه-الله معرفت از جواد ایروانی)
۶. ذن مکتبی در مذهب بودایی است که در چین پدیدار شده و تأکید فراوانی بر تفکر لحظه به لحظه و ژرف نگری به ماهیت اشیا جانداران و... به وسیله تجربه مستقیم دارد.
۷. شرح حال ایزوتسو در مقدمه کتاب بنیاد حکمت سبزواری اثر ایزوتسو.
۸. Eranoslectur
۹. یادها و یادگارها از اسلام شناس ژاپنی پروفسور ایزوتسو؛ مجله/معارف /سفند ۱۳۸۶، شماره ۵۴.
۱۰. برداشت از مقاله‌ای با عنوان (معرفی و نقد روش ایزوتسو در کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید).
۱۱. علامه طباطبایی نخستین گام در تفسیر قرآن به قرآن را برداشت، اما روش او با روش معناشناختی متفاوت است. به اعتقاد ایزوتسو، متن را باید در حاشیه محدوده‌ای فهمید که متن در آن قرار دارد. او درباره مسایل فرهنگی به کثرت‌گرایی، یعنی نسبیت اخلاقی معتقد می‌باشد.
۱۲. رک؛ کتاب خدا و انسان در قرآن، فصل اول معنی‌شناسی و قرآن.
۱۳. رک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۵.

منابع و مراجع

کتابنامه:

۱. ایزوتسو، توشی هیکو، ۱۳۷۸، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ انتشارات فرزاد.
۲. _____؛ ۱۳۶۱، خدا و انسان در قرآن ترجمه احمد آرام؛ انتشارات شرکت سهامی.
۳. _____؛ ۱۳۸۰، مفهوم ایمان در کلام اسلامی؛ ترجمه زهرا پور سینا؛ انتشارات سروش.
۴. _____؛ ۱۳۵۹، بنیاد حکمت سبزواری؛ با همکاری سید جمال الدین مجتوبی؛ انتشارات موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران.
۵. بهجت پور؛ عبدالکریم، ۱۳۹۱، تفسیر فریقین (تاریخ؛ مبانی؛ اصول؛ منابع)، انتشارات آثار نفیس.
۶. حر عاملی؛ محمد بن حسن؛ ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه؛ قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۷. حسینی استرآبادی، شرف‌الدین علی، ۱۳۷۹، تاویل الایات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ ۱۳۸۲، روشها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۹. _____؛ ۱۳۸۶، منطق ترجمه قرآن، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۰. _____؛ ۱۳۹۵، آرا متفکران معاصر قرآنی (جلد دوم: جریان‌ها و نظریه‌ها)، جامعه المصطفی‌العلمیه.
۱۱. ساجدی، ابوالفضل؛ ۱۳۸۵، زبان دین و قرآن، قم انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۲. سعیدی روشن، محمداقرا، ۱۳۸۳، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، تهران، پژوهشگاه قرآن و اندیشه اسلامی.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. معرفت، محمد هادی؛ ۱۳۸۵ ش، تفسیر و مفسران، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید.
۱۵. _____؛ ۱۴۱۷ ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۶. _____؛ ۱۳۸۷ ش، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه التمهید و المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه.
۱۷. _____؛ ۱۳۸۵ ش، آفتاب معرفت (ویژه‌نامه چهلمین روز ارتحال فقیه فرزانه، استاد علوم قرآنی، مفسر بزرگ آیت‌الله علامه حاج شیخ میرزا محمد هادی معرفت «۱»)، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
۱۸. نصیری، علی؛ (۱۳۸۷) «علامه از منظر اخلاق علمی، معرفت قرآنی»، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۱۹. نیازی، شهریار. (۱۳۸۲). «ایزوتسو و معنی‌شناسی قرآن». سخنگوی شرق و غرب: مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پروفیسور توشیهیکو ایزوتسو. به کوشش شهرام یوسفی‌فر. تهران: دانشگاه تهران؛ مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

مقالات:

۲۰. احسانی، محمد؛ شیوه تحلیل مفاهیم ارزشی قرآن؛ مقایسه دیدگاه اخلاقی ایزوتسو و آیت‌الله مصباح یزدی، نشریه معرفت اخلاقی شماره ۶- ص ۵-۲۲.
۲۱. ایازی، سید محمدعلی و مریم پورافخم. (۱۳۹۳) «ایزوتسو و نقد و بررسی دو اثر قرآنی وی». فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء. سال ۱۱. شماره ۳. پیاپی ۲۳. ص ۵-۳۲.

۲۲. ابروانی، جواد؛ ۱۳۸۶ «نقد اسرائیلیات از دیدگاه آیه الله معرفت رحمه الله» مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۶ زمستان.
۲۳. بدره‌ای، فریدون. (۱۳۷۹) (گفتگو) «ایزوتسو و مفاهیم اخلاقی قرآن». دوهفته‌نامه گلستان قرآن. شماره ۲۱. ص ۲۰-۲۶.
۲۴. بهجت پور، عبدالکریم؛ بی تا، «نقش اهل بیت علیهم السلام و صحابه در تفسیر قرآن کریم از منظر استاد معرفت».
۲۵. پورجوادی، نصرالله. (۱۳۷۱) «آخرین دیدار با پروفسور ایزوتسو». مجله نشر دانش. شماره ۷۴. ص ۸-۲.
۲۶. دین‌پرست، منوچهر، (۱۳۸۲) «زائر مشرقی (تأملی بر آثار و اندیشه‌های توشی هیکو ایزوتسو)». مجله اخبار ادیان. شماره ۶. ص ۳۲-۳۴.
۲۷. ربیعی آستانه، مسعود، (۱۳۸۳) «ایزوتسو و معنی‌شناسی در آیات قرآن». مجله پژوهش‌های قرآنی. شماره ۳۷ و ۳۸. ص ۳۲۸-۳۴۰.
۲۸. _____ (۱۳۸۰) «معرفی چند اثر برجسته مستشرقان». مجله بینات. شماره ۳۰. ص ۱۱۶-۱۲۵.
۲۹. شریفی، علی، (۱۳۹۲). «نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم». مجله حکمت معاصر. سال چهارم، شماره ۳. ص ۸۱-۱۱۰.
۳۰. رجایی، طاهره ۱۳۸۸؛ مقاله روش آیت‌الله معرفت در «التفسیر الأثری الجامع»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۵.
۳۱. فاکر میبیدی، محمد، ۱۳۸۸، رابطه فقه و قرآن؛ در نگاه آیت‌الله معرفت ره؛ فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۵.
۳۲. علوی‌نژاد، حیدر، «معنی‌شناسی و فهم متن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۸-۲۷.
۳۳. محقق، مهدی، (۱۳۷۱) «ایزوتسو هم رفت». مجله تحقیقات اسلامی. سال هفتم. شماره ۱. صص ۱۵۵-۱۶۴.
۳۴. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۰ «مفاهیم اخلاقی در قرآن». دوهفته‌نامه گلستان قرآن. شماره ۶۷. ص ۳۷.
۳۵. معرفت، محمد هادی؛ ۱۳۸۳، «نسخ در قرآن در تازه‌ترین دیدگاه‌ها»، فصلنامه بینات، سال یازدهم، شماره ۴۴.
۳۶. _____؛ ۱۳۷۶ باطن قرآن؛ بینات؛ سال چهارم، شماره ۱۴.
۳۷. معصومی همدانی، حسین، ۱۳۶۱، «بحثی در زبان اخلاقی قرآن». مجله نشر دانش، سال دوم، شماره ۳. ص ۲۶-۴۳.
- مجلات علمی:**
۳۸. مجله بینات، شماره ۳۰، سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۸۰.
۳۹. مجله پژوهش‌های قرآنی شماره ۳۷ - ۳۸، تابستان ۸۳. مقاله آقای ربیعی، عنوان ایزوتسو معناشناسی و آیات قرآن.
۴۰. مجله تحقیقات اسلامی سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۷۱، مقاله دکتر مهدی محقق.
۴۱. مجله قرآن و مستشرقان.
۴۲. مجله قرآن پژوهی خاور شناسان.
۴۳. مجله معارف، شماره ۲۵؛ ۵۴ و ۱۹.
۴۴. مجله نشر دانش سال سیزدهم شماره دوم، ۱۳۷۱ مقاله دکتر نصرالله پورجوادی و نیز نشر دانش؛ سال دوم، شماره سوم، ۱۳۷۲، نقد آثار معصومی همدانی، به ایزوتسو.